

### متن پرسش

تحلیل سیاسی، فرهنگی با رویکرد «نقد درون گفتمانی» بخش سوم «آقای میثم مطیعی عزیز و دوست داشتنی، استدعا داریم پرونده درخشان خود را لکه دار نکنید» هر چند که بنده از ارادتمندان و دوستداران جناب مطیعی به دلیل مدیحه سرایی ها و مرثیه سرایی های که با مضامین انقلابی همراه است، می باشم!! اما مع الاسف اشعاری که در عید فطر خواندید کام ما را تلخ کرد!! هر چند بنده اطمینان دارم که از سر دلسوزی خواندید! و علی رغم کانال ها و سایت های که شما را به عقده گشایی یا ابوکینه متهم نمودند!! اما برای همگان روشن هست که این چنین نیست!!! آقای مطیعی عزیز!! شما دیروز در مقابل رئیس جمهوری این گونه شعر سرودید که حدود ۲۴ میلیون مردم به وی اقبال داشتند، و هرکدام از آن ها به دلایل غلط یا صحیح به جناب روحانی رأی دادند، و ما نیروهای انقلاب سعی کنیم که با همین افراد دست در دست هم برای فائق آمدن بر معضلات و بن بست ها یکپارچه بشیم! آقای مطیعی عزیز!! کلیت مضامین اشعار دیروز شما را می پذیرم و مورد تأیید هست! اما استحضار داشته باشید که شما با مردمی مواجه هستید، که این لحن و سبکی را که انتخاب کردید را به عقده گشایی یا تندروی متهم می کنند، نه این که مثل دوستان مان حماسی بودن اشعار را استنتاج نمایند!! بنده گمان می کنم سرودن و خواندن چنین اشعاری جزء صدمه به «اتحاد» کشور و ملت که دست آورد چندانی ندارد، امیدوارم که حضرتعالی به عنوان یکی از مداحان نزدیک به بیت رهبری از این پس دقت بیشتری به خرج دهید!!! لذا بهتر هست انتقادهای خویش را از مجاری صحیح به گوش دستگاه های نظارتی برسانیم!» سلام استاد عزیز نظر جنابعالی در مورد یادداشت فوق چیست؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ما در جایگاه تاریخی خاصی قرار داریم که هویت نهضت خود را از طریق شعارهای مان دائماً باید زنده نگه داریم مثل شعارهای اصحاب امام حسین «علیه السلام» در روز عاشورا در مقابل جبهه‌ی کفر و استبداد یزیدی. در این حال اگر بخواهیم از این کلیت حضور خود دست بشوییم، از «خود» دست شسته‌ایم. همچنان که رهبری عزیز با شعار «من انقلابی هستم» مواظب بودند فضای مذاکره‌ی دیپلمات‌ها هویت ما را شکل ندهد. آیا می‌توان در آن حالت به بهانه‌ی آن که دولت در حال مذاکره‌ی دیپلماسی است، هویت خود را نادیده بگیریم؟ حتی در این‌جا بحث شعر و شاعری هم نیست تا کسی بگوید اشعار ضعیف یا قوی بود، قصه‌ی حماسه است و حماسی‌زیستن و زنده‌بودن، که امروز معنای زندگی در حماسی زندگی کردن است. دولت هم باید معنای خود را در عمق

تعلقش به همین نحوه شعارها، خود را ادامه دهد. پس مسئله مافوق نظر به موضوعات جزئی است تا بگوییم چه کسی بدش می‌آید و چه کسی خوشش می‌آید. همه نیاز دارند که در فضای چنین روحیه‌ی حماسی، خود را معنا کنند. مثل آن‌که ما با پرتاب موشک‌های خود به مقرر تروریست‌ها، خود را معنا کرده‌ایم و مثل فرانسه و انگلستان، گرفتار پیدا کردن فرد تروریست نشدیم. مگر در آن‌جا همه در جبهه‌ی حماسی واحد مشخص نکردند ما از جنس دیگری هستیم؟ این‌جا نیز ما همه و یک‌صدا روشن کردیم «چه هستیم» و «چه باید باید باشیم». موفق باشید